

آخرین خبرها از کرونا

۷۸ فوتی و ۳۶۰۳ بیمار جدید کرونایی در ۲۴ ساعت گذشته

● شرق: مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت اعلام کرد: از ۱۱ تا ۱۲ آذر ۱۴۰۰ و براساس معیارهای قطعی تشخیصی، سه‌هزار و ۶۰۳ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شدند که ۶۴۹ نفر از آنها بستری شدند. بر این اساس مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به شش‌میلیون و ۱۲۹هزارو ۱۹۹ نفر رسید. همچنین متأسفانه در این مدت، ۷۸ بیمار کووید۱۹ جان خود را از دست دادند که با این حساب، مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۳۰هزار و ۶۶ نفر رسید. همچنین در این مدت، ۱۳ استان کشور مرگ‌ومیر صفر و یک نفر داشته‌اند؛ استان‌های خراسان جنوبی، سمنان، خراسان شمالی، یوشهر، اردبیل، کردستان، گلستان و مازندران، هیچ موردی از مرگ‌ومیر را ثبت نکرده‌اند و در استان‌های سیستان‌وبلوچستان، زنجان، هرمزگان، قم و خوزستان، فقط یک بیمار کرونایی جان خود را از دست داده است. از ابتدای همه‌گیری کرونا در کشور تاکنون پنج‌میلیون و ۹۰۸هزار و ۹۰۱ نفر از بیکران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. درحال حاضر نیز سه‌هزار و ۲۹۶ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. براساس اعلام وزارت بهداشت، تاکنون ۳۹میلیون و ۹۳هزارو ۳۵۵ آزمایش تشخیصی کووید۱۹ در کشور انجام شده است. همچنین درحال‌حاضر هیچ‌یک از شهرهای کشور در وضعیت قرمز نیست اما ۲۲ شهر در وضعیت نارنجی، ۲۰۷ شهر در وضعیت زرد و ۲۱۹ شهر در وضعیت آبی قرار دارند. رئیس مرکز تحقیقات ویروس شناسی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با بیان اینکه وقتی آمیکرون را در چهار گوشه جهان می‌بینیم، به این معناست که این ویروس گسترش دارد، گفت: باید توجه کرد که این آمارها واقعی نیستند و شناسایی موارد به نظارت، پایش ژنتیکی کشورها و… بستگی دارد؛ بنابراین مطمئنا تعداد موارد ابتلا به آمیکرون بیش از این است.

گزارش آمیکرون در ۳۱ کشور

● دکتر علیرضا ناجی درباره ویژگی‌های واریانت آمیکرون ویروس کرونا گفت: درحال حاضر اطلاعات زیادی از سویه آمیکرون نداریم و به‌نوعی با یک خلأ اطلاعاتی درباره آمیکرون مواجهیم. بنابراین باید زمان بگذرد و مطالعات، تصویرسازی‌های معمول و آزمایش‌های لازم انجام شود تا بتوان درباره اینکه این سویه چقدر می‌تواند انتقال‌پذیری بالایی داشته باشد، چقدر می‌تواند بیماری شدیدتری بدهد و چقدر می‌تواند از سیستم ایمنی گریز کند، اظهارنظر کنیم. وی افزود: البته آنچه مشخص است، گسترش است که این ویروس در سراسر دنیا پیدا کرده است؛ به‌طوری‌که اکنون ۳۱ کشور آن را گزارش کرده‌اند و ۳۷۹ مورد ابتلا به آمیکرون رسماً اعلام شده است که مطمئنا میزان موارد بیش از این تعداد است. برای مثال تومانی‌ای که در بلژیک مثبت شد، مربوط به مسافری بوده که از مصر به این کشور رفته بود؛ بنابراین مصر هم با اینکه موردی را گزارش نکرده اما احتمالاً باید این ویروس را داشته باشد. درحال‌حاضر آمیکرون در همه قاره‌های جهان گزارش شده است. به‌تازگی هم در برزیل دو مورد ابتلا به کرونای آمیکرون را شناسایی و اعلام کردند و از میان کشورهای همسایه ایران در عربستان و امارات نیز این واریانت شناسایی شده است.

۴ واریانت نگران‌کننده کرونا

● ناجی تأکید کرد: البته باید توجه کرد که این آمارها واقعی نیستند و شناسایی موارد به نظارت، پایش ژنتیکی کشورها و… بستگی دارد. مطمئنا تعداد موارد ابتلا به آمیکرون بیش از این است. وقتی که آن را در چهارگوشه جهان در قاره‌های آسیا، اروپا، آمریکای جنوبی و شمالی و آفریقا می‌بینید، به این معناست که این ویروس این زمین را دارد و در یک بخش شود و گسترش یابد. به همین دلیل هم خطرناک است و باید نسبت به آن توجه داشته باشیم. ساده‌انگاری کردن و اعلام اینکه این واریانت بیماری زیادی نمی‌دهد که امیدواریم این‌طور باشد، درست نیست. باید توجه کرد که آن‌قدر این واریانت نگران‌کننده بود که با وجود عمر کوتاهی که از شناسایی آن گذشت، سازمان جهانی بهداشت جلسه اضطراری گذاشته و آن را به‌عنوان واریانت نگران‌کننده، در کنار بتا، گاما و دلتا تقسیم‌بندی کردند. بنابراین اگر در این زمینه ساده‌انگاری و سهل‌انگاری کنیم، ممکن است پشیمان شویم. وی گفت: درعین‌حال خیلی دور از ذهن نیست که واریانت آمیکرون وارد ایران شده باشد، اما هنوز آن را شناسایی نکرده باشیم. باید توجه کرد که موارد آمیکرونی که در کشورهایمانند هلند یا هنگ‌کنگ و… گزارش شده است، از نظر زمان نمونه‌برداری از بیماران، حتی از آفریقا هم جلوتر است. جالب است که منشأ این واریانت را از آفریقا می‌دانیم و گزارش‌های زیادی هم از آفریقای جنوبی و کشورهای جنوب آفریقا مبنی‌بر شناسایی این واریانت شده است اما گستردگی این ویروس باتوجه به زمان‌هایی که می‌بینم، احتمالاً بیش از این است و باید جدی گرفته شود.

نورا حسینی: از بالکن مرکز همایش‌های برج میلاد، گود عمیقی که سال‌هاست در مجاورت اتوبان همت و برج قرار دارد، پیداست. زرده‌های شیشه‌ای ترک خورده است؛ می‌گویند می‌تواند تأثیر گود باشد. تنها شش ماه به زمانی که ایمنی گود تضمین شده، مانده است. این تضمین هم صد درصدی نیست. به گفته مهدی علویپور، معاون فنی و عمرانی برج میلاد، باید همین شش ماه هم یک‌سری کارها انجام شوند. سال‌هاست درخصوص این گودال عمیق در حاشیه یکی از شلوغ‌ترین بزرگراه‌های تهران و مرکز پژوهش‌های برج میلاد هشتاد داده می‌شود؛ تا آنجا که سازمان نیرج کل کشور نیز به نایلم‌پودن این گود ورود کرد. در نامه‌ای که سازمان بازرسی خطاب به شهرداری نوشته بود، تأکید شده که براساس میحث هفتم مقررات ملی ساختمان، خطر این گود از نوع بسیار زیاد بوده است. سازه برج میلاد نیز جزء ساختمان‌های بسیار حساس ارزیابی شده و با توجه به در نظرگرفتن اثرات لرزه‌ای و ژئوتکنیکی، رهاسازی گود در طراحی‌های اولیه و بررسی عملکرد سازه اصلی برج میلاد در دوره بهره‌برداری آن دور از انتظار است. بنابراین با توجه به عدم همکاری شریک پروژه و ممانعت از ورود عوامل شهرداری جهت پایداری گود، پس از پیگیری‌های انجام‌شده، فرمانده نیروی انتظامی خط‌گذاری هم‌کاری لازم با عوامل شهرداری به‌منظور پایدارسازی گود برای تردد در پروژه با هماهنگی مدیر پروژه به عمل خواهد آمد. در این نامه از شهرداری درخواست شده هرچه سریع‌تر به تعیین تکلیف وضعیت پروژه اقدام کند.

بالی‌حال، در تمام این سال‌ها، اقدام سریعی برای تعیین تکلیف این گود نشده؛ اما به‌تازگی این گود تعیین تکلیف نهایی شده و مالکیت زمین به شهرداری واگذار شده است. قرار است با ساخت بخشی از سازه‌ای که برای این فاز تعریف شده، این گود ایمن‌سازی شود. مهدی علویپور، معاون فنی و عمرانی برج، می‌گوید ایمن‌سازی بیش از ۳۲ گود تهران را بر عهده داشته ازجمله ایمن‌سازی گود بابک زنجانی. او معتقد است گودی که صاحب داشته باشد، خطر‌آفرین نیست و می‌تواند ایمن شود. او از بابک زنجانی در زندان امضای رضایت ایمن‌سازی گود را گرفته و حالا معتقد است با ساخت بخشی از سازه می‌توان گود برج میلاد را ایمن‌سازی کرد و هزینه آن را هم از سرمایه‌گذار بعدی پروژه گرفت. او به عبارت گود برج میلاد معترض است

و می‌گوید: خود برج میلاد تنها در همسایگی این گود است و نه از نظر ساختاری و نه اداری و سرمایه‌گذاری، ارتباطی با برج میلاد ندارد و ما همیشه نسبت به وجود این گود در کنار اراضی برج میلاد معترض و نگران بودیم، اما چون قرارداد ساخت پروژه از سوی سازمان سرمایه‌گذاری بسته شده بود و شهرداری نیز یک طرف قضیه بود، امکان اقامه دعوی نداشتیم؛ زیرا بخشی از بدنه شهرداری درگیر این پروژه بود. او ادامه می‌دهد: از سال ۹۲ ماجراهای این گود شروع شد و قرارداد این پروژه به‌صورت مشارکتی بسته شد. ۴۹ و نیم درصد عایدی شهرداری تهران و ۵۰ و نیم درصد عایدی تعاون دریا در این پروژه مشارکتی بود، اما به‌دلیل تغییرات زیادی که در طراحی و میزان سرمایه‌گذاری آن صورت گرفت، خارج شدن نهادهای نظامی از بخش‌های اقتصادی داده شد، این پروژه به سرانجام نرسید تا اینکه چند ماه پیش کاملاً منتفی شد و زمین آن به شهرداری تهران تعلق گرفت. همچنین بر اساس مصوبه شورای عالی شهرداری برای این اراضی، کاربری‌هایی تعریف شده که باید قرارداد سرمایه‌گذاری آن بسته شود. با توجه به این مصوبه، به نظر می‌آید طرح فروش این اراضی منتفی است و این پروژه بخشی از درآمدهای پایدار شهری محسوب می‌شود. او درخصوص اینکه گود مجاور برج میلاد تا چه زمانی ایمن است نیز توضیح می‌دهد: در صورتی‌که اقداماتی برای ایمن‌سازی انجام شود، این گود تا شش ماه آینده ایمن است. مشاور فنی مهندسی

جامعه

فرصت ۶ ماهه برای ایمنی گود میلاد



اعلام کرده تا شش ماه تضمین می‌کند مشکلی برای این گود وجود نداشته باشد. وی تأکید کرد: طرحی برای ایمنی موقت این گود تا زمانی که کارهای سرمایه‌گذاری و آغاز طرح اصلی انجام شود، پیش‌بینی شده است. «مهدی عباسی» رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران نیز درخصوص گود برج میلاد توضیح می‌دهد: یکی از مباحث محوری که در بازدید از این میلاد مورد تأکید قرار گرفت، گود معروف برج میلاد بود که به لحاظ ایمن‌سازی، شرایط نامناسبی دارد. دوستان پیشنهاد کردند بخشی از سازه اجرائی شود تا پایدارسازی اجرا شود. قرار بر این شد در ادامه، جلسه مشترکی با اجرای سازه شکل بگیرد و بعد پروژه به‌صورت اصلی اجرا شود. قرار بر این شد در ادامه، جلسه مشترکی با معاون شهرداری و عمرانی شهرداری تهران تشکیل شود و اگر لازم بود، شورای نیز در دادن مجوزهای لازم همکاری کند تا هرچه زودتر، این گود ساماندهی و ایمن‌سازی شود؛ ضمن آنکه منابع صرف‌شده نیز تلفات نشود. او اضافه می‌کند: اینکه این گود نایلم‌است و باید به‌سرعت از سوی شهرداری ایمن‌سازی شود، در اولویت است و همچنین باید اصل پروژه نیز به‌صورت مشارکتی اجرائی شود. به گفته عباسی از عمر استاندارد پایدارسازی گود میلاد گذشته و آنچه مهم است، تلاش برای مقاومسازی آن برای پیشگیری از حوادث احتمالی است. او ادامه می‌دهد: کاربری‌های تجاری و کاربری در زمینه احداث هتل، بخشی از کارکردهایی است که برای فضای اضافه‌شده به زمین‌های برج میلاد پیش‌بینی

شده است. گود مجاور برج میلاد، تنها وصله ناجور این مجموعه به براساس طرح جامعی که برای آن تعریف شده باید به ارتقای جایگاه جهانی تهران کمک کند.
نمود: در مکانی که قرار است براساس طرح‌های بلندمدت، مرکز دیپلماسی فرهنگی کشور شود، شهرسازی کوچکی هم تعریف شده است؛ مانند همان شهرسازی که در حاشیه دریاچه خلیج فارس تعریف شده یا هر شهرسازی کوچکی که می‌شود در هر نقطه‌ای از شهر ایجاد شود. از سوله نمایشگاهی برجی که قرار است مأموریت‌های بین‌المللی انجام دهد، برای ضبط برنامه خندوانه استفاده می‌شود. عباس حیدری، مدیرعامل برج میلاد، درخصوص ایجاد برخی سازه‌ها در کنار برج میلاد (مانند شهرسازی یا استفاده مجموعه تلویزیونی «خندوانه» از مجموعه نمایشگاهی برج میلاد) توضیح می‌دهد: همه این سازه‌ها با کاربری برج میلاد همخوانی دارد. شهرداری تهران در حوزه گردشگری اگرچه متولی نیست، اما اقداماتی را انجام داده و تعریف مجموعه‌هایی که به موضوع گردشگری کمک می‌کنند، مغایر با کاربری برج میلاد نیست. او درخصوص استفاده مجموعه تلویزیونی «خندوانه» از مجموعه نمایشگاهی برج میلاد نیز توضیح می‌دهد: در چند سال اخیر به‌خاطر شیوه و همه‌گیری پاندمی کرونا، استفاده از این مجموعه نمایشگاهی راکد شده بود و از این ظرفیت استفاده نمی‌شد. به همین دلیل این مجموعه در اختیار برنامه پرریننده «خندوانه»- قرار گرفت و کاربری تغییر داده‌شده، صرفاً به دلیل مقطع زمانی خاص کرونا، جهت استفاده از این فضا بوده است.

براساس طرحی که مدتی پیش از نسوی عبدالرضا گلپایگانی، معاون وقت معماری و شهرسازی شهرداری تشریح شده بود، رویکرد جدید به این سمت رفته که بخش بازرگانی بین‌المللی در محدوده برج میلاد، بتواند برای تولیدات صنایع دستی ایرانی و محصولات هنری مکان مناسبی باشد. بخش دیگر هم مربوط به ایجاد هتل بود که هتلی با مقیاس بین‌المللی احداث شود.

به نظر می‌آید تا زمانی که مصوبه شورای عالی شهرسازی و معاری درخصوص برج میلاد اجرائی نشود، شاهد برگزاری نمایشگاه‌هایی که بیشتر به روزبازارها شبیه است و فضاهای تفریحی که با کارکردهای بین‌المللی برج همخوانی ندارد، باشیم.

پرویس‌دهی نداشته و نوبت‌های ما هم باطل شده‌اند.

استخری‌های بچه‌های اوتیسم و سی‌بی‌فعال نیست

«علی» ۱۸ سال دارد که می‌گویند کم‌توان ذهنی است. میکروسفالی و تشنج‌های مدامش باعث تأخیر در رشد ذهنی‌اش شده است. خانوادهاش در تمام مراحل تشخیص بیماری، سرگردان بودند. دکتری می‌گفت کاردرمانی لازم دارد، پزشک دیگری گفتادرومانی را تجویز می‌کرد. دانشجوها در مطب سؤا‌های عجیبی از مادر می‌پرسیدند که پسران سی‌بی‌است؟ اوتیسم دارد؟ سندرم دان است؟ مادر علی نگران بود و نمی‌دانست چه بر سر پسرش آمده است.

«مریم سلطانی»، مادر علی، یکی از فعالان حوزه معلولان است و برای

احقاق حق کودکان با نیازهای ویژه دونگی‌های زیادی کرده است. او تا تمام سال‌هایی که پزشکان به او اطلاعات درست ندادند، انتقاد دارد: «حالا اینترنت و فضای مجازی در دسترس است وتمام اطلاعات به‌سرعت با یک جست‌وجو به دست می‌آید؛ زمانی که با مشکل پسرم درگیر بودیم، هیچ امکاناتی نبود. پزشک‌ها هم همگی تجویز و تشخیص‌های متفاوت دادند و به نگرانی و سرگردانی ما اضافه می‌کردند. بیماری پسرم خیلی دیر تشخیص داده شد و ما فرصت‌های زیادی را از دست دادیم». این فعال اجتماعی حوزه معلولان از مشکلات پسرش و تمام بچه‌ها با نیازهای ویژه می‌گوید: «بسیاری از حقوق شهروندی این افراد ضایع شده است. افراد سی‌بی و اوتیسم به‌شدت به استخر و آبدرمانی در طول جلسات کاردرمانی نیاز دارند. اما هیچ فضای ورزشی مجزی برایشان وجود ندارد. ما با هم‌انگهی اوتیسم، استخری داشتیم که به بچه‌های ما اجازه ورود می‌دادند. اما این بچه‌ها کنترل ادراک و مدفوع ندارند و ظاهر یک بار کنترل از دستشان خارج شده و از آن زمان به بعد عذر ما را خواستند و بچه‌ها از استخر محروم ماندند».

سنگ اندازی به‌جای حمایت

او از اهمیت ورزش برای این بچه‌ها و مشکلات در این زمینه حرف‌های زیادی دارد: «با دونگی‌های خودمان با یک مربی جوان آشنا شدیم که حتی با وجود نقص عضو، حاضر شد با کمترین هزینه به بچه‌های ما تمرینات ورزشی بدهد. این مربی جوان عضو فدراسیون جانبازان و معلولان بود و این فدراسیون به خاطر همکاری ما با این مربی برخورد‌های ناشایستی با ما داشت. به این فدراسیون توضیحات کافی دادیم که از این مربی و فعالیتش به نفع بچه‌هایمان راضی هستیم، اما علت سخت‌گیری و مخالفت این فدراسیون را نمی‌دانیم. کدام مربی با وجود اینکه خودش نقص عضو دارد برای دادن تمرین آن‌هم در پارک به بچه‌ها می‌که حتی دست و گردن این مربی را گاز گرفتند، انگیزه دارد؟ اما این مربی کنار ما ماند و حتی از خانواده‌هایی که توان مالی کمتری دارند هم هزینه واقعی را دریافت نمی‌کند. کاش به‌جای حمایت از ما، سنگ‌اندازی نکنند.»

مشارکت پایین پر‌دارن در رسیدگی به مسائل و مشکلات فرزندان معلول

اشغال‌زایی از مهم‌ترین مطالبات افراد با نیازهای ویژه است: «نوجوان‌های ما می‌توانند در کارهایی مثل بسته‌بندی مشارکت کنند. اگر برای این افراد مشاغلی وجود داشته باشد، بر روحیه خودشان و خانواده نیز بسیار تأثیر دارد. در عین حال ما به مراکز موقتی نیاز داریم تا برای چند ساعت یا نصف روز، در بچه‌ها ما مراقبت کند. وقتی مادر بیمار است، سفر ضروری دارد، عمل جراحی مهمی دارد و… هیچ مرکز امنی برای نگهداری از فرزندان وجود ندارد». عدم همکاری پر‌دارن در بسیاری از مواقع مشکلات زیادی را ایجاد کرده است: «عدم همکاری و پذیرش پدرها بسیار شایع است و همین مسئله باعث جدایی بسیاری از پدر و مادرها از یکدیگر شده است. اگر پر‌دارن بعد از جدایی پسر‌بستی بچه‌ها را بپذیرند، فقط برای نگهداری اقدام می‌کنند. درحالی‌که مادران برای کار‌درمانی بچه‌ها زمان زیادی می‌گذارند، پذیرند تلاش زیادی ندارند. مرشدان خانواده‌هایی که فرزندان‌با نیازهای ویژه دارند، بسیار زیاد است.»

ادامه از صفحه ۴

محاصره پنجشیر و آخرین روزهای

زندگی فهیم دشتی

✎ خانم سیاره دشتی! این روزها اوضاع خودتان و فرزندانتان چطور است؟ خانواده برادرتان چطورند؟

کوشش می‌کنیم زندگی کنیم، البته خیلی خوب نیستیم، ولی تلاش می‌کنیم کارهایی بکنیم و کمک‌هایی به جبهه مقاومت داشته باشیم. به لطف خداوند شهادت فهیم و ودود بسیار باعزت بوده و شهدا همواره زنده‌اند. فهیم و ودود مرگ زیبایی داشتند و این مایه افتخار ماست. وضعیت مردم به‌خصوص در پنجشیر و نواحی شمالی ما را بیشتر رنج می‌دهد. رنج‌های مردم همیشه با ماست و آزار‌دهند.

✎ می‌بینیم که اِبن روزها شما در فضای شبکه‌های اجتماعی ازجمله اینستاگرام فعال هستید و سعی می‌کنید به نوعی صدای فهیم دشتی باشید.

فکر می‌کنم فهیم دشتی به اندازه کافی شناخته‌شده است و هیچ‌وقت صدایش خاموش نمی‌شود. او از رهبران قهرمان ملی احمدشاه مسعود بود و خلاصانه هم در این راه رفت. بنابراین من فکر نمی‌کنم که بتوانم صدای او باشم، اما کوشش می‌کنم با ادامه راه او، به خودم کمک کنم تا آرامش پیدا کنم.

✎ سیاره جان، آیا می‌دانید شهادت فهیم دشتی در ایران بازتاب زیادی داشت؟ آیا شما از این بازتاب‌ها در ایران خبردار شدید؟

افراد فامیل با من تماس می‌گرفتند و از توجه و لطف زیاد مردم به من می‌گفتند و بر همین اساس من یادداشت کوتاهی به‌عنوان تشکر از لطف مردم در صفحه اینستاگرامم نوشتم. اما تا همین چند روز پیش اصلا جزئت این را نداشتیم که صفحات مربوط به نحوه شهادت فهیم جان و بازتاب آن را در رسانه‌ها ببینم. بالین‌حال، سرانجام تصمیم گرفتم این کار را بکنم. واقعاً برایم سخت بود. اما وقتی این بازتاب‌ها را دیدم، با خودم گفتم که ودود و فهیم جاویدان هستند. نه‌تنها مردم افغانستان، بلکه مردم ایران و دیگر فارسی‌زبان‌ها اظهار تأسف کرده و بسیار درباره‌اش نوشته بودند. من بسیاری از نوشته‌های مردم ایران را درباره فهیم جان خواندم و یک جهان سپاس از همه کسانی که فهیم و ودود را یاد کردند.

✎ خبر شهادت فهیم را نخستین بار چه کسی به شما داد؟

ساعت ۱۱ روزی که فهیم و ودود شهید شدند، ما با هم در تماس بودیم و حرف می‌زدیم. با هر دو صحبت کردم. حدود ساعت سه بعدازظهر یکی از برادران من که در سوند است، چندین‌بار تماس گرفت که چه خبر از فهیم و ودود؟ من هم گفتم خوب هستند و همین یکی، دو ساعت پیش با هم صحبت کردیم. اما تماس‌ها زیاد شده بود و آدم‌های مختلف حال آنها را می‌پرسیدند. این برای من شک‌برانگیز شد که چه خبر شده که این همه تماس‌های عجیبی از مادر می‌پرسیدند که پسران سی‌بی‌است؟ اوتیسم دارد؟ سندرم دان است؟ مادر علی نگران بود و نمی‌دانست چه بر سر پسرش آمده است. که در آن زمان در تاجیکستان بود، با من تماس گرفت و خبر داد که هر دو شهید شده‌اند. من ابتدا فکر کردم او اشتباهی می‌کند و احتمالاً تشابه اسمی بوده است یا خبر نارادست به او داده‌اند؛ چون در آخرین صحبتی که با فهیم جان داشتم، جنگ در اطراف آنها شدید نبود. پس از او، احمد مسعود با من تماس گرفت و خبر شهادت فهیم جان را تأیید کرد. بعد از آن بود که فهیم‌بخبر دقیق‌است.

✎ سیاره خان، می‌دانم سخت‌کردن دربارن‌باره برایت خیلی سخت است، اما اگر ممکن است بگویید چه احساسی داشتید وقتی خبر از دست‌دادن دو فرزند عزیزترین‌هایتان را شنیدید؟

طبیعی است که در همان لحظه اول انکار از همه‌چیز خالی شدم. من و خانم برادرم یک‌جا بودیم. به همراه بقیه فامیل‌ها همه یک‌جا این خبر را شنیدیم. برادرم ودود برای من همه‌چیز بود؛ رفیق بود، مادر بود و پدر. خیلی مهربان بود. با خودم گفتم ای کاش یکی از این دو برابیم می‌ماند. با این همه سعی کردم بر خودم مسلط باشم و با احمد مسعود که صحبت کردم مرگ رزیا و شهادت آنها را تبریک گفتم؛ هرچند خیلی برایم سخت بود.

✎ احمد مسعود موقع دادن این خبر به شما چطور بود؟
برای او سخت بود و مشکل؛ چون هر دو به احمد بسیار نزدیک بودند. از صدایش می‌فهمیدم که تحمل این اتفاق چقدر برای او مشکل است. ما اوگفتم که افتخار می‌کنم هر دو در این راه رفتند. ما بنده خدا هستیم و از فرمان او نمی‌توانیم سربیزی کنیم، اما برایش بسیار سخت و ناگوار بود.

✎ در این چند ماه اخبار ضدونقیضی درباره چگونگی واقعه کشته‌شدن فهیم و ودود گفته شده است. آیا شما اکنون مایل هستید درباره نحوه این اتفاق برای مخاطبان ما بیشتر توضیح بدهید؟
ترجیح می‌دهم فعلاً به این پرسش شما جواب ندهم؛ چون در حال تحقیقات بیشتری هستیم و وقتی کامل شد در مصاحبه‌ای دیگر جواب این سؤال شما را خواهم داد.

✎ متشکرم که با وجود اینکه یادآوری این خاطرات برای شما بسیار دردناک بود، بذیرفتید پاسخ سؤال‌هایم را بدهید.